

حق دسترسی اصحاب دعوی به پرونده کیفری

(با عنایت به قانون جدید آ.د.ک)

حمید مهدی زاده - وکیل پایه یک دادگستری - کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری - درج شده در مجله کانون وکلا بهار ۱۳۹۴

چکیده

دسترسی به اوراق و محتویات پرونده جهت ارائه دلایل توسط شاکی و دفاع مناسب توسط متهم، از اهمیت بسیار بالایی در کیفیت و روند تحقیقات و انجام دادرسی عادلانه برخوردار می باشد که در این راستا قانونگذار برای دسترسی شاکی و متهم (اعم از مطالعه و دریافت رونوشت و تصویر) شرایطی را در نظر گرفته و همچنین این اختیار را به مقام قضایی اعطا نموده تا در مواردی با درخواست دسترسی اصحاب دعوی به محتویات پرونده مخالفت نماید، که البته باید مستدل و منحصر به موارد و شرایط ذکر شده در قانون باشد تا روند عادلانه ای برای انجام تحقیقات و دادرسی طی گردد.

واژگان کلیدی: اصحاب دعوی، حق دسترسی به پرونده، مطالعه پرونده

مقدمه

دادرسی عادلانه یک اصل کلی و بدیهی در رسیدگی به دعاوی می باشد که صرفاً ناظر به مرحله دادگاه نبوده، بلکه از زمان طرح دعوی و شروع تحقیقات مقدماتی، مقامات قضایی مکلف به رعایت آن می باشند. بدیهی است تفهیم اتهام به شخص متهم و اطلاع او از شرایط و محتویات پرونده نیز از ارکان رسیدگی عادلانه بوده و این حق مسلم اصحاب دعوی است که نسبت به پرونده ای که درگیر آن می باشند آزادانه دسترسی داشته باشند.

مباحث رسیدگی عادلانه، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله در اصول ۳۲ و ۳۴ مورد اشاره واقع گردیده، لذا اهمیت موضوع بسیار مشخص می باشد. همچنین در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر مجمع سازمان ملل متحد (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸) نیز بحث دادرسی عادلانه و برخورداری از مساوات جهت دفاع مناسب ذکر و مورد اشاره واقع شده است. (دکتر محمود آخوندی- آیین دادرسی کیفری- جلد چهارم- سازمان چاپ و انتشارات- چاپ دوم - زمستان ۸۸- صفحه ۳۹۱-۳۹۰)

بدیهی است که رسیدگی عادلانه (چه برای شاکی یا متهم و وکلای آنها) بدون اطلاع و اشراف بر پرونده امکان پذیر نخواهد بود. البته حق دسترسی به پرونده برای شاکی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ تا حدودی (نه بصورت کامل و بی قید و شرط) در نظر گرفته شده لیکن برای متهم چنین حقی در قانون وجود ندارد، بنا براین و در عمل این امر موجب می گردد تا این حداقل حقوق متهم نیز اسیر سلیقه گرایی شده و نهایتاً متهم از دسترسی به اوراق و محتویات پرونده و به نوعی دفاع مناسب محروم گردد که بدیهی است با رسیدگی عادلانه مورد نظر مغایر می باشد.

نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸

در قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ برای شاکی این حق صراحتاً در نظر گرفته شده که از صورتجلسه تحقیقات مقدماتی (در صورتیکه منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد) رونوشت دریافت نماید (ماده ۷۳) . البته این حق، صرفاً برای شاکی در نظر گرفته شده و آنهم بصورت مشروط، لیکن محرمانه بودن تحقیقات مصداق مشخصی ندارد و تشخیص آن با مقام رسیدگی کننده می باشد که این امر باعث بوجود آمدن رویه های متفاوت در مواجهه با درخواست رونوشت یا مطالعه پرونده می گردد و بعضاً در عمل نیز می تواند موجب ممانعت از دسترسی شاکی به اوراق و محتویات پرونده گردد، لذا با استناد به ماده فوق الذکر این حق از شاکی گرفته می شود. نکته بسیار مهم دیگر اینکه برای شخص متهم که مشخصاً نیاز بیشتری به کسب اطلاع و آگاهی از پرونده دارد تا بتواند به بهترین شکل از خود دفاع نماید تا به ناحق محکوم نگردد، چنین حقی در نظر گرفته نشده است که بسی جای تأمل می باشد!

به عبارتی در این قانون و مطابق ماده ۱۹۰ متهم، صرفاً هنگامی می تواند به پرونده دسترسی داشته باشد که تحقیقات تکمیل و برای محاکمه وقت تعیین شده باشد، لذا در مرحله تحقیقات این حق از متهم سلب گردیده و با توجه به اینکه تحقیقات مقدماتی شامل کلیه اقدامات در راستای مهیا کردن پرونده و ارسال به دادگاه جهت انجام دادرسی و النهایه صدور حکم مقتضی می باشد، لذا پایه و اساس دادرسی، بدون اطلاع و دسترسی متهم به محتویات پرونده شکل می گیرد، که یکی از نقاط ضعف این قانون می باشد.

حق دسترسی شاکی به پرونده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

خوشبختانه قانون آ.د.ک جدید، نسبت به قانون قبلی بسیار پیشرفته تر و با حقوق شهروندی سازگارتر می باشد و با اجرای آن می توان به سمت دادرسی عادلانه قدم برداشت. حق دسترسی شاکی به پرونده و دریافت رونوشت از آن در ماده ۱۰۰ پیش بینی شده، بدین بیان که: ((شاکی می تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله اش را اظهار کند و در تحقیقات حضور یابد، صورتجلسه تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد مطالعه کند و یا به هزینه خود از آنها تصویر یا رونوشت بگیرد)) نکته قابل درنگ در این ماده اینکه بازهم عبارت: (.. که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد..) ذکر گردیده که عبارتی کلی و مبهم می باشد و متأسفانه بازهم باعث برداشتهای متفاوت و اعمال نظرهای شخصی خواهد شد، لذا بهتر می بود که مصادیق آن صراحتاً ذکر می شد تا رفع ابهام می گردید. در تبصره ۲ ماده فوق الذکر مصادیق دیگری که ارائه آنها به شاکی ممنوع می باشد را بیان نموده که از جمله اسناد و مدارک طبقه بندی شده و تحقیقات راجع به جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور می باشد، لذا در این موارد مشخصاً ارائه پرونده و محتویات آن به شاکی ممنوع می باشد و تکلیف موضوع مشخص شده است، لیکن اموری که با کشف حقیقت منافات دارد، یک عبارت کلی است که بازهم رویه سابق اعمال می گردد و در عمل نیز تمایل مقام تحقیق، بیشتر به عدم ارائه و در دسترس قرار دادن محتویات پرونده می باشد. بنا براین مقام قضایی در چنین مواردی وفق تبصره یک ماده ۱۰۰ اقدام به صدور قرار رد درخواست مطالعه یا در دسترس قرار دادن پرونده می نماید.

درخواست دسترسی به پرونده و تصمیم بازپرس

مستنبط از ماده ۱۰۰ قانون جدید شاکی جهت مطالعه یا اخذ رونوشت، ملزم به ارائه درخواست می باشد که متعاقباً با بررسی مقام قضایی اصولاً اجازه دسترسی به پرونده، جایز می باشد مگر در موارد مصرحه در تبصره ۲ و منافی بودن با ضرورت کشف حقیقت، که در این موارد بازپرس با ذکر استدلال، قرار رد درخواست شاکی را صادر می نماید. البته قابل ذکر است که در اینجا صرفاً از بازپرس نام برده شده و بنظر می رسد که در مواردی که پرونده در دایاری نیز مطرح باشد، دادیار اقدام به صدور چنین قرار می نماید (البته با موافقت دادستان). قرار مزبور ظرف مهلت ۳ روز قابل اعتراض در دادگاه صالح می باشد، به عبارتی اگر مقام تحقیق، درخواست مطالعه پرونده یا اخذ رونوشت توسط شاکی را ممنوع اعلام نماید و چنین درخواستی را رد نماید شاکی می تواند ظرف ۳ روز از تصمیم بازپرس به دادگاه صالح شکایت نماید و دادگاه مربوطه در وقت فوق العاده به موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم می نماید و

تصمیم دادگاه در این خصوص قطعی است. بدیهی است دادگاه صالح دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل موضوع را دارد. (نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری- دکتر علی خالقی- نشر شهر دانش-چاپ دوم-مهرماه ۹۳- صفحه ۲۳۴)

در خصوص این قرار و اعتراض نسبت به آن به نظر می رسد هرچند از یکطرف حق درخواست دسترسی به پرونده بسیار مهم و عادلانه می باشد و در صورت ممانعت از آن، حق اعتراض نیز بسیار شایسته و بجاست، لیکن با عنایت به اینکه در عمل شاهد بسیاری از ممانعتها جهت دسترسی به پرونده خواهیم بود، لذا در بسیاری از پرونده ها چنین قراری صادر و نسبت به آن نیز اعتراض هم می گردد و از آنجائیکه اعتراض به قرار در دادگاه صالح رسیدگی می شود، بنابراین این موضوع باعث طولانی تر شدن سیر رسیدگی در دادسرا می گردد و از طرف دیگر نیز به تراکم پرونده های موجود در دادگاه می افزاید.

بنابراین جهت جلوگیری از طولانی شدن روند رسیدگی، بهتر بود در این خصوص تصمیم بازپرس، مبنی بر منع دسترسی اصحاب دعوی به پرونده به تایید دادستان نیز می رسید و در صورت مخالفت دادستان با تصمیم بازپرس، نظر دادستان، متبع می بود.

به عبارتی همانطور که دادیار مکلف به تبعیت از دادستان می باشد، در مواردی بازپرس نیز در مقابل دادستان استقلال نداشته و مکلف به تبعیت از نظر دادستان می باشد (از جمله تکمیل تحقیقات مقدماتی در صورتیکه دادستان آنرا ناقص بداند یا در صورتیکه بازپرس رأسا قرار بازداشت صادر نماید و دادستان با قرار بازداشت صادره مخالفت نماید) لذا در خصوص درخواست دسترسی به پرونده نیز در شرایطی که بازپرس یا دادیار از دسترسی اصحاب دعوی به پرونده ممانعت نمایند، می توان با الزامی نمودن نظر دادستان در این خصوص و لزوم تبعیت از آن، تکلیف موضوع را روشن نمود و از طرح پرونده به این دلیل در دادگاه و متعاقبا از اطلاع دادرسی آنهم در مرحله تحقیقات مقدماتی که اصل تسریع بر آن حاکم است، جلوگیری بعمل آورد.

حق دسترسی متهم به پرونده

تا کنون موارد دسترسی شاکی به پرونده مورد اشاره واقع گردید، لیکن قانون آیین دادرسی کیفری جدید نکته بسیار مهم و پیشرفته ای را در ماده ۱۹۱ ذکر نموده و آنهم حق دسترسی متهم به محتویات پرونده می باشد، البته در غیر موارد جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و مواردی که منافی با ضرورت کشف حقیقت باشد. در موارد مصرحه فوق، بازپرس قرار عدم دسترسی صادر می نماید. بدیهی است که قرار بازپرس باید مستدل بوده و همچنان که پیشتر مورد اشاره واقع گردید، این قرار ظرف مهلت ۳ روز قابل اعتراض در دادگاه صالح می باشد. دادگاه در وقت فوق العاده به موضوع رسیدگی و تصمیم گیری می نماید. تصمیم دادگاه قطعی است. لازم به ذکر است در صورت تأیید نظر بازپرس در دادگاه صالح، این ممنوعیت (عدم دسترسی متهم یا شاکی به پرونده) صرفا تا پایان مرحله تحقیقات مقدماتی می باشد و با ارسال پرونده به دادگاه، این قرار نیز مرتفع می گردد. (دکتر علی خالقی - همان- صفحه ۱۵۶) بنابراین ملاحظه می گردد طبق قانون جدید، حق دسترسی به پرونده که تا پیش از این صرفا در دادگاه و پس از ختم تحقیقات به متهم داده می شد، در مرحله تحقیقات نیز برای متهم در نظر گرفته شده است.

حق دسترسی به پرونده در دادگاه

همانطورکه پیشتر مورد اشاره واقع گردید ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ بیان می دارد که متهم یا وکیل او می تواند پیش از جلسه محاکمه به دفتر دادگاه مراجعه و از محتویات پرونده، اطلاعات لازم را به دست آورد.

این ماده صراحتی مبنی بر دریافت رونوشت یا کپی از اوراق پرونده ندارد در صورتیکه در ماده ۷۳ همان قانون، دریافت رونوشت برای شاکی صراحتا ذکر شده است و این مسئله نیز در عمل باعث بوجود آمدن سلیقه گرایی و ممانعت از دریافت کپی یا رونوشت توسط متهم یا وکلای وی می گردد. بدیهی است این موضوع در روند رسیدگی عادلانه

تأثیرگذار بوده و با عدالت قضایی اسلامی که بر مبنای آن باید با طرفین پرونده به مساوات و عدالت رفتار گردد، ناسازگار است. (دکتر محمود آخوندی- همان - صفحه ۲۷۸) .

هنگامی که مرحله تحقیقات پایان یافت و پرونده به دادگاه ارسال گردید، مطابق ماده ۳۵۱ قانون جدید، شاکی و متهم و وکلای آنها می توانند به دادگاه مراجعه نموده و پرونده را مطالعه یا از آن تصویر دریافت نمایند، البته در این مرحله نیز دادن تصویر از اسناد طبقه بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، ممنوع می باشد که این موارد صراحتاً در تبصره ماده مزبور بیان گردیده است. نکته قابل توجه اینکه در این موارد قاضی صرفاً می تواند از دادن تصویر از اسناد فوق الذکر به اصحاب دعوی ممانعت نماید، لیکن مطالعه پرونده فاقد اشکال می باشد. همچنین بدیهی است که در این مرحله بحث منافی بودن با ضرورت کشف حقیقت، منتفی است چرا که تحقیقات خاتمه یافته و اصحاب دعوی می توانند پرونده را مطالعه و با شرایط مصرحه تصویر تهیه نمایند تا برای جلسه رسیدگی آمادگی کافی داشته باشند.

نتیجه

علی ایحال بدیهی است که قانون جدید از جهت دسترسی اصحاب دعوی به پرونده و محتویات آن، پیشرفته تر و عادلانه تر از قبل می باشد چرا که این حق را برای هر دو طرف دعوی در نظر گرفته و از طرفی مقام تحقیق برای رد درخواست دسترسی به پرونده، باید دلیل قانونی و مستدل ارائه نماید و نهایتاً نیز قرار رد درخواست قابل اعتراض در دادگاه صالح می باشد، هرچند باز هم کلیاتی ذکر شده که باعث ایجاد سلیقه گرایی در مرحله تحقیقات می گردد. بنابراین بنظر می رسد با عنایت به اینکه در موضوعات کیفری جایی برای تفسیر موسع نمی باشد لذا بهتر است مصادیق عبارات مبهم و کلی تصریح گردد تا رویه ای هماهنگ در دادرها و دادگاهها شکل گیرد و شاکی و متهم به حقوق خود واقف گردیده و از آن بهره مند شوند. همچنین با مشخص شدن تکلیف درخواست دسترسی به پرونده در خود دادرها، از طرح پرونده به این دلیل در دادگاه جلوگیری بعمل آورد تا اصل تسریع در مرحله تحقیقت مقدماتی که حائز اهمیت فراوان می باشد، رعایت شده و از طرفی اصحاب دعوی به روند رسیدگی عادلانه نائل گردند. -----

منابع:

- ۱- دکتر محمود آخوندی - آیین دادرسی کیفری - جلد چهارم - سازمان چاپ و انتشارات - چاپ دوم - زمستان ۱۳۸۸
- ۲ - سید مهدی حجتی - قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در نظم حقوقی کنونی - نشر کتاب آ - چاپ اول - ۱۳۹۰
- ۳ - دکتر علی خالقی - نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری - نشر شهر دانش - چاپ دوم - مهرماه ۱۳۹۳
- ۴ - علی مهاجری - آیین رسیدگی در دادرها - چاپ نگین قم - چاپ دوم - تیرماه ۱۳۸۲